

شیلی و سیاست گام به گام



مهرداد احمدی شیخانی

روزنامه‌نگار

اولین بار که عنوان «سیاست گام به گام» را شنیدم، مربوط به همان روزهای اول پیروزی انقلاب ۵۷ و گمان می‌کنم در یکی از سخنرانی‌های پخش‌شده «مرحوم بازرگان» بود و البته این نگرش او در آن روزهای پرتلاطم، مخالفین بسیار سرسختی داشت؛ چه از گروه‌ها و گرایشات چپ مارکسیستی، چه روشنفکران سکولار و چه انقلابیون مذهبی مستقر در قدرت، هر چه بود، یادم نمی‌آید که موافق چندانی با این نگرش مهندس بازرگان چه در صاحبان جدید قدرت و چه در نیروهای منتقد و مخالف حاکمیت جدید و چه حتی گروه‌های جدایی طلب دیده باشم و این همه مخالفت نهایتاً با تسخیر سفارت آمریکا توسط «دانشجویان پیرو خط امام» به سقوط دولت موقت انجامید. البته، سال‌ها باید می‌گذشت تا یک‌یک و گروه گروه، آن مخالفین قسم‌خورده بازرگان به اینجا برسند که حق با او بود و اینان نگاهی اشتباه به امر سیاست داشتند. اما این سیاست و سیاست‌ورزی گام به گام یعنی چه و چطور در یک کشور می‌شود با پیش گرفتن آن به نتیجه‌رسید؟ به گمانم، برای درک بهتر این معنا، بهتر است به نمونه‌ای عینی رجوع کنیم.

برای نسل من و در دهه ۵۰ خورشیدی یا همان دهه ۷۰ میلادی قرن پیش، یکی از دراماتیک‌ترین رویدادها، کودتا علیه «سالوادور آلنده» در کشور شیلی، توسط «آگوستو پینوشه» بود. در روز ۱۱ سپتامبر ۱۹۷۳، ارتش شیلی با حمایت آمریکا و به رهبری ژنرال پینوشه، «کاخ لاموندا» را بمباران کرد، آلنده را کشت و به دولت قانونی وحدت ملی پایان داد. پس از آن حکومت نظامی برقرار، ۴۰ هزار نفر در استادیوم ملی شیلی زندانی، ۳۷۰۰ نفر کشته و تمام فعالیت‌های سیاسی به حالت تعلیق در آمد. یک سال پس از آن بود که پینوشه رسماً رئیس‌جمهور شیلی شد. حالا ۵۰ سال بعد از آن کودتا، شیلی در چه وضعیتی است؟ واقعیت این است که سال گذشته و بعد از نیم قرن، یک جوان ۳۵ساله با تفکری همچون آلنده به ریاست‌جمهوری انتخاب شد. اما چه مسیری طی شد تا شیلی از حکومت کودتایی پینوشه به جایی رسید که شخصی پیرو آلنده در آن به قدرت برسد؟

پس از کودتا، مجلس شیلی با وجودی که اکثریت آن را مخالفان آلنده تشکیل می‌دادند منحل شد و سپس در انتخاباتی کاملاً کنترل‌شده، به جز تعداد بسیار معدودی، همه نمایندگان از طرفداران کودتا به مجلس راه یافتند و حتی چندی بعد، براساس قانون اساسی سال ۱۹۸۱، برخی نمایندگان نه انتخابی که منصوب و بعضی نیز نمایندگان مادام‌العمر شدند. با این وجود، مخالفان کودتا توانستند تعدادی کمتر از انگشتان یک دست را به مجلس بفرستند. این اتفاق هر بار با کمی تفاوت، بیشتر شد تا اینکه بالاخره در سال ۱۹۸۸، پینوشه در انتخابات شکست خورد. شیوه «تدریجی‌گرایی» در سیاست‌ورزی شیلی و تکیه بر صندوق رای همچنان ادامه یافت تا آنکه پس از ۵ رئیس‌جمهور بعد

از پینوشه که اکثرأ راست‌گرا بودند، امروز این کشور شاهد یک انتخابات آزاد، رقابتی و نیز اقتصادی پویا با چشم‌اندازی روشن است و این در یک کلام یعنی همان «سیاست گام به گام مرحوم بازرگان». سیاستی که سبب شده تا نتیجه در یک پروسه مستمر، از دل صندوق رای بیرون بیاید. سیاستی که ابتدا کمتر از انگشتان یک دست در مجلس شیلی، آن هم تحت سیطره ژنرال‌ها، آن هم با خشونت بی‌بدیل ژنرال پینوشه شروع شد و امروز یک پیرو آلنده به ریاست‌جمهوری رسیده است.

اما بینیم مسیری که ما در کشورمان رفته‌ایم چگونه بوده و چه کسانی به این سیاست گام به گام که مرحوم بازرگان مبلغ و مروجش بود، متعهد مانده‌اند؟ ۵۰ سال پیش شیلی و ۴۵ سال پیش خودمان. از اولین مجلس جمهوری اسلامی که همین مهندس بازرگان نفر سوم از شهر تهران بود تا امروز که نخبگان مان دعوت به عدم شرکت در انتخابات می‌کنند، چه مسیری طی شده؟ مثلاً دوست بزرگوارم جناب «سعید حجاریان» که می‌دانم برای مهندس بازرگان احترام زیادی قائل است، یا همچنین جناب عباس عیدی که هر دو برای من جایگاه برادر بزرگ‌تر را دارند، چه نگاهی به سیاست دارند؟ آیا سیاست‌ورزی گام به گام؟ یا حتی «نهضت آزادی» به‌عنوان وارثان مستقیم مرحوم مهندس بازرگان، وقتی اعلام می‌کنند که در انتخابات شرکت نمی‌کنند، آیا دارند سیاست گام به گام را پیش می‌برند؟ یعنی انتخابات امروز ما از انتخابات بعد از انحلال مجلس شیلی پس از کودتا هم غیردموکراتیک‌تر و غیرآزادتر است؟ اگر آنچه در شیلی گذشت، سیاست گام به گام است، آنچه سیاست‌ورزان ما انجام می‌دهند چه‌نام دارد؟ گمان من بر این است که ما، حتی آنانی که یا وارث مستقیم مرحوم بازرگان هستند و یا کسانی که بر منش و روش آن مرحوم صحنه می‌گذارند، چندان به سیاست گام به گام باور، بلکه شاید نه قلب‌شان همچنان به انقلاب و «همه با هیچ» معتقدند و حتی نه این، که گاهی دچار تعارضاتی عجیب هستند. مثلاً جناب حجاریان عزیز و بزرگوار، در مصاحبه‌ای می‌گوید: «من به دلیل ردصلاحیت جناب دوزدوزانی از انتخابات کنار کشیدم و با جناب‌هاشم آقاجری بحث کردم که باید مجاهدین انقلاب هم کنار بکشند»، ولی بعد در انتخابات مجلس ششم که جناب عیدی ردصلاحیت شد و حتی آن ماجرای عجیب برای جناب «علیرضا رایسی» پیش آمد، چنین پیشنهادی به حزب مشارک ندادند. اگر آنچه در مجلس پنجم کردند و آنچه به جناب آقاجری گفتند درست بوده، چرا در مجلس ششم چنین نکردند و مگر نه اینکه ایشان روزی از فشار از پائین و چانه‌زنی در بالا می‌گفتند، اینکه اشاره کردند در انتخابات مجلس ۱۳۹۸ و ریاست‌جمهوری ۱۴۰۰ شرکت نکردند، دست را برای چانه‌زنی باز می‌کند یا می‌بندد؟ در هر صورت شیلی با سیاست گام به گام طی ۵۰ سال از آنجا به اینجا رسید و ما هم طی ۴۵ سال از آنجا به اینجا. حقیقت این است که ما حتی با وجود ادعای سیاست‌ورزی گام به گام، همچنان انقلابی هستیم و شاید هم دل‌مان برای چریک بودن تنگ شده. احتمالاً تفاوت ما با شیلی در همین عدم مداومت ما در سیاست گام به گام است که ۱۲۰ سال است، از انقلاب مشروطه تا کنون، مدام می‌رویم و برمی‌گردیم.

تیتریک

HEADLINE ONE

۲



نگار: Leader.ir

با تشریح ضرورت‌های مشارکت گسترده مردم و وظایف مسئولان مطرح شد:

تاکید رهبری بر سلامت انتخابات

دور و میوس کردن مردم از انتخابات هستند». رهبری انتخابات را «رکن اصلی نظام جمهوری اسلامی و راه اصلاح کشور» خواندند و گفتند: «همه باید در انتخابات شرکت کنیم. کسانی هم که به دنبال ترمیم و حل مشکلات هستند، راه درست آن، انتخابات است و باید به انتخابات رو کنند». ایشان «انتخاب اصلح» را «ضروری» دانستند و افزودند: «همه افرادی که از نظارت شورای نگهبان عبور کرده‌اند، صالح هستند؛ اما به حکم عقل باید از بین آنها، افراد صالح‌تر را انتخاب کرد و برای شناخت اصلح، مردم تا جایی که توان بررسی دارند تحقیق کنند و اگر نمی‌توانند، به نظر افراد مورد اعتماد، توجه و عمل کنند». آیت‌الله خامنه‌ای «وظیفه سخنگوران و افراد مقبول» را «تشویق مردم به حضور در انتخابات» خواندند و تأکید کردند: «افرادی هم که وارد میدان انتخابات شده‌اند، از بداخلاقی، بددعنی و توهین و تهمت به دیگران در تبلیغات و فضای مجازی و همچنین از سیاه‌نمایی و بیان مطالب دروغ و خلاف

گروه خبر: مقام معظم رهبری در دیدار هزاران نفر از مردم استان آذربایجان شرقی، با تأکید بر «اهمیت وحدت ملی و انتخابات ۱۱ اسفند به‌عنوان راه حل مشکلات و اصلاح امور»، همه را به «شرکت پرشور در این رویداد مهم ملی» فراخواندند. آیت‌الله خامنه‌ای «جبهه استکبار» را «بی‌شک مخالف انتخابات ایران» دانستند و گفتند: «انتخابات، مظهر جمهوریت نظام است و به همین علت است که مستکبران و آمریکا که هم با جمهوریت و هم با اسلامیت نظام مخالفند، با انتخابات و حضور پرشور مردم پای صندوق‌های رأی مخالف هستند». ایشان با اشاره به درخواست یکی از رؤسای جمهور قبلی آمریکا از مردم ایران برای شرکت نکردن در یکی از انتخابات گذشته، گفتند: «آن رئیس‌جمهور، ندانسته به ایران کمک کرد زیرا مردم از سر لج و مخالفت با او، بیشتر و پرشورتر از همیشه در انتخابات شرکت کردند به همین علت آمریکایی‌ها دیگر اینگونه سخن نمی‌گویند اما با شیوه‌های مختلف به دنبال

تردیدهای نخبگان درباره ۱۱ اسفند

چهره‌های سیاسی در نشست دانشگاه تهران

ارزیابی خود از فضای انتخابات را ارائه کردند

گروه خبر: نشست خانه گفت‌وگوی انتخابات، شنبه ۲۸ بهمن با حضور چهره‌های سیاسی و اجتماعی کشور در دانشگاه تهران برگزار شد. در این نشست برخی چهره‌های سیاسی از جمله غلامرضا مصباحی‌مقدم، سیدمحمد حسینی، محمدجواد ظریف، علی مطهری، عبدالناصر همتی، مسعود زریبافان، عبدالله گنجی، محمد هاشمی، حسین مرعشی، مالک شریعتی، عباس عیدی، الهه کولایی، پیروز حناچی، مصطفی میرسلیم، محمدحسن ابوترابی‌وسید،محمدمقیمی حضور داشتند. **محمدجواد ظریف، دانشیار دانشگاه تهران** در نشستی در دانشگاه تهران، گفت: «اینکه چرا سرمایه اجتماعی ما کاهش پیدا کرده، مهمترین دلایلش این است که ما هنوز به مردم خودمان به‌عنوان فرصت نگاه نمی‌کنیم، ما مردم خودمان را هم به‌عنوان تهدید می‌بینیم. ما فرصت را باید دستش را باز بگذاریم، تهدید است که باید محدودش کنیم. چرا مردم خودمان را محدود می‌کنیم؟ چرا تلاش می‌کنیم که قدرت انتخاب مردم خودمان را محدود کنیم؟ اگر ما مردم را پایه قدرت این نظام می‌دانیم، اگر ما مردم را مبنای قدرت خودمان می‌دانیم، اگر ما مشروعیت خودمان را مهمترین عامل بازدارندگی کشور می‌دانیم... او ادامه داد: «امام فرمودند سلاح شما نبود که شما را نجات داد، مردم بودند، رهبری هم همین را فرمودند. اگر ما به این باور داریم چرا مردمی که فرصت ما هستند را تهدید حساب می‌کنیم؟»

معصومه ابتکار، استاد دانشگاه تربیت مدرس در این نشست گفت: «هر چه ما به جوان‌ها توضیح می‌دهیم، به ما می‌گویند که شما فریب خوردید. می‌می‌گویم انتخاب برای حضور در انقلاب و همراهی با امام یک آگاهی محض همراه با شناخت و درک بود. اما جوان امروز می‌گوید در آن زمان به شما حرف‌هایی زدند و باور کردید؛ از اول قرار نبود که مردم تعیین‌کننده باشند. این حرف نسل جوان امروز است که به ما خرده می‌گیرد و می‌گوید شما مقصر هستید که رفتید و این اتفاقات [انقلاب] افتاد و حالا ما در شرایط فعلی مانده‌ایم. شرایطی که تنوع سلایق مردم در آن در عمل محلی از اعراب ندارند. نمونه آن همین موضوع زنان است که اوج آن را در حوادث سال گذشته دیدیم. دختران جوان ما چه امیدی دارند؟ چه می‌بینند در حق و حقوق و جایگاهی که ما برای آن‌ها قائل هستیم؟ آیا گزینه‌ای دارند که به او رای بدهند؟ گزینه‌ای هست که عموم نسل جوان امروز را نمایندگی کند؟ حتماً برای نسل جوان بسیجی و حامی دولت نماینده داریم اما برای عموم چنین نماینده‌ای داریم؟

آیا یک دختر جوان که نسبت به خیلی از مسائلی که رخ می‌دهد اعتراض و پرسش دارد، آیا گزینه‌ای در میان کاندیداها می‌بیند که به او رای بدهد و امیدوار باشد که تغییری در آینده ایجاد کند؟»

غلامرضا مصباحی‌مقدم، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز در این نشست گفت: «برای عامه مردم تشخیص و تبیین درست و دقیق وظیفه رهبری و سران سه قوه مشخص و روشن نیست. مردم تصور می‌کنند که در مورد مسائل برق، آب، نان و جاده و امثال آن، رهبری کم‌کاری کرده است. این در حالی است که اگر منتخب مردم که رئیس‌جمهور، دولت و نمایندگان مجلس هستند کم‌کاری کردند، نباید پای رهبری گذاشته‌شود.»

محمد هاشمی، عضو پیشین مجمع تشخیص مصلحت نظام گفت: «سرمایه اجتماعی انقلاب آن زمان بوده امروز که باید گلوی خود را پاره کنیم، صداوسیما و دیگران بگویند که مردم بایبید در انتخابات شرکت کنید. تفاوت عجیبی با اول انقلاب پیدا شده است. آن زمان امام یک یا دو کلمه می‌گفتند و قضیه تمام بود. اما حالا چندماه مانده به انتخابات باید در بحث‌های گوناگون به مردم بگویم که چرا باید در انتخابات شرکت کنید. اما یک نکته‌ای در این ارتباط وجود دارد. من که اینجا هستم و دیگرانی که در این جلسه حضور دارند، همه ما نه با انقلاب مشکل داریم، نه با رهبری و نه با نظام و همه ما می‌خواهیم که کاری انجام دهیم، اما چپه‌های ما از مانمی‌پذیرند. نسل بعد از ما مثل نسل‌های قبل نیست. از ما سوال می‌کنند که برای ما چه آوردید؟ انقلاب کردید که آزادی بیاورید؟ کجاست آزادی؟ نسل جدید سوال می‌کند. ما به‌عنوان [مسئولین] نظام، کاری نکردیم که نسل آینده را جذب این نظام و انقلاب کنیم.»

ابراهیم متقی، رئیس دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران نیز در این نشست گفت: «اگر جامعه احساس کند که بعد از انتخابات شرایط اقتصادی بهتر می‌شود، مشارکت انتخاباتی بالای ۶۵درصد خواهد بود. همچنین اگر جامعه احساس کند که فضای آرامش وجود خواهد داشت، میزان رقابت افزایش پیدا می‌کند.» او ادامه داد: «اگر جامعه احساس کند که به‌طور مثال سال گذشته دانشگاه تهران نیروی حراست بیشتری نسبت به اعضای هیئت علمی جذب کرده است، مردم واکنش منفی نشان می‌دهند، زیرا این یک نماد بیرونی دارد، نماد بیرونی را افرادی می‌بینند. خیلی وقت‌ها ما ذهنیت‌ها را جدی نمی‌گیریم، افراد در درون خودشان واکنش منفی نشان می‌دهند اما چه زمانی واکنش منفی نشان می‌دهند؟ برای نمونه در فضای انتخابات.»